

پیامدهای شکست گزارشگری مالی برای مدیران غیرموظف

فرشید خیراللهی*

فرزاد ایوانی**

احسان محبی***

چکیده

مسائل و مشکلات مرتبط با صورت‌های مالی، سبب مطرح شدن ابهاماتی در مورد نقش و وظایف هیأت مدیره و همچنین کمیته حسابرسی در گزارشگری مالی شده است. تجدید ارائه صورت‌های مالی نشان می‌دهد که به احتمال زیاد صورت‌های مالی دوره‌های گذشته، طبق اصول عمومی حسابداری ارائه نشده است. به علاوه ممکن است تعدیلات مزبور مبین ضعف در سیستم کنترل داخلی شرکت باشد که از وظایف مهم مدیران محسوب می‌شوند. انتظار می‌رود در یک بازار کار مدیریت کارا، مدیرانی که وظایف مدیریتی خود را به صورت مؤثر انجام می‌دهند به عنوان پاداش، مزایا و فرصت‌های مدیریتی دریافت کنند و آنانی که عملکرد ضعیفی دارند با از دست دادن موقعیت و منافع آتی خود، جریمه شوند. در پژوهش حاضر پیامدهای تجدید ارائه صورت‌های مالی به عنوان شکست گزارشگری برای مدیران غیرموظف با تأکید بر کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور تعداد ۴۳ شرکت به عنوان نمونه اصلی و ۴۳ شرکت هم به عنوان گروه کنترل در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران نظر گرفته شده است. با عنایت به نتایج پژوهش، تجدید ارائه صورت‌های مالی باعث جریمه‌های بازار کار برای مدیران غیرموظف نشده است.

واژگان کلیدی: تجدید ارائه صورت‌های مالی، مدیر غیرموظف، کمیته حسابرسی

* استادیار حسابداری، دانشگاه رازی کرمانشاه

** مربی حسابداری، دانشگاه رازی کرمانشاه

*** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) ehsanmohebi62@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۱۹

مقدمه

مسائل و مشکلات مربوط به گزارشگری مالی، رویداد با اهمیتی برای شرکت و ذینفعان آن محسوب می‌شود. شواهد زیادی نشان می‌دهد که انتشار مشکلات گزارشگری مالی، با عکس‌العمل‌های منفی بازار سرمایه همراه بوده است (بیسلی^۱، ۱۹۹۶). رسوایی‌های مرتبط با صورت‌های مالی، سبب مطرح شدن سؤالاتی در مورد نقش و وظایف هیأت مدیره و همچنین کمیته حسابرسی در گزارشگری مالی شده است. این موضوع در بسیاری از کشورها، واکنش تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات را به همراه داشته است. به عنوان مثال و با توجه به اینکه اعضای هیأت مدیره در نظارت بر حسابرسی شرکت و کفایت کنترل‌های داخلی مسئول هستند، اصلاحاتی در قوانین و مقررات کشور آمریکا انجام شده که نقش مدیران غیرموظف را در نظارت گزارشگری مالی افزایش می‌دهد (اسرینیواسان^۲، ۲۰۰۵). همچنین جایگاه نظارتی هیأت مدیره و کمیته حسابرسی^۳ به منظور اجرای وظیفه نظارتی هیأت مدیره، به ویژه در زمینه‌های مرتبط با کنترل‌های داخلی، مدیریت ریسک، گزارشگری مالی و فعالیت‌های حسابرسی از اهمیت بیشتری برخوردار شده است. فاما و جنسن^۴ (۱۹۸۳) مزایای عضویت در هیأت مدیره برای مدیران غیرموظف را شهرت و اعتبار، نفوذ، فرصت‌های یادگیری و شبکه‌های ارتباطی معرفی می‌کنند. انتظار می‌رود در یک بازار کار مدیریت کارا^۵، مدیرانی که وظایف مدیریتی خود را به صورت مؤثر انجام می‌دهند به عنوان پاداش، مزایا و فرصت‌های مدیریتی دریافت کنند؛ همچنین مدیرانی که عملکرد ضعیفی دارند با از دست دادن موقعیت و منافع آتی خود، جریمه شوند. بررسی ادبیات نشان می‌دهد در پژوهش‌های بسیاری ارتباط بین ویژگی‌های هیأت مدیره و گزارشگری مالی، مورد بررسی قرار گرفته است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳؛ کوکبی و همکاران، ۱۳۹۴). یافته‌های پژوهش‌های دیگر حاکی از کاهش مشکلات گزارشگری مالی با افزایش استقلال و تخصص هیأت مدیره و اعضای کمیته می‌باشد (فاربر^۶، ۲۰۰۴؛ بیسلی، ۱۹۹۶). با این حال، شکافی در خصوص پیامدهای شکست گزارشگری مالی برای مدیران غیرموظف در ایران مشاهده می‌شود. در پژوهش حاضر پیامدهای تجدید ارائه صورت‌های مالی به عنوان شکست گزارشگری برای مدیران غیرموظف با تأکید بر کمیته

1 Beasley

2 Srinivasan

3 Audit committee

4 Fama and Jensen

5 efficient director labor market

6 Farber

حسابرسی در میان شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گرفته است. به عبارت دیگر شکست گزارشگری مالی به عنوان معیاری برای ارزیابی مدیران کمیته حسابرسی که مستقیماً در نظارت بر گزارشگری مالی مسئول هستند در مقایسه با مدیرانی که عضو کمیته حسابرسی نیستند و مسئولیت کمتری برای شکست مزبور دارند، در نظر گرفته شده است. با عنایت به شکاف موجود در ادبیات داخلی، انتظار می‌رود نتایج پژوهش نشان دهد که آیا مدیران عضو کمیته حسابرسی از جایگاه نظارتی برخوردارند یا اینکه صرفاً در یک جایگاه تشریفاتی قرار گرفته‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تجدید ارائه صورت‌های مالی

کمیسیون اوراق بهادار و بورس^۱ ایالات متحده آمریکا، تجدید ارائه صورت‌های مالی را "مشهودترین شاخص اشتباهات حسابداری" توصیف می‌کند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۸). دیدگاه گراهام^۲ و همکاران (۲۰۰۸) به شرح زیر است:

ارائه مجدد صورت‌های مالی هزینه‌های بسیاری را به واحد گزارشگر وارد می‌کند. این اقدام ممکن است اعتبار افشائیات شرکت از دید سرمایه‌گذاران را کاهش داده، منجر به کاهش تقاضا برای خرید اوراق بهادار منتشرشده توسط واحد گزارشگر شده و در نهایت کاهش قیمت بازار و فرصت‌های رشد واحد تجاری را به همراه داشته باشد.

تعدیلات سنواتی و تجدید ارائه صورت‌های مالی دوره‌های قبل، پیامدهای منفی متعددی را به همراه دارد. سود هر سهم و نسبت قیمت به سود هر سهم از جمله شاخص‌هایی است که مورد استفاده تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد در نتیجه ارائه نادرست سود، و اصلاح آن در دوره‌های بعد، آثار اقتصادی و مالی برای افراد مختلف خواهد داشت. شکست گزارشگری از دید سرمایه‌گذاران نه تنها بیانگر مشکلات عملکرد دوره گذشته است، بلکه نوعی پیش‌بینی مشکلات آتی برای شرکت و مدیریت آن محسوب شده و موجب سلب اطمینان سرمایه‌گذاران نسبت به اعتبار و شایستگی مدیریت و کیفیت سودهای گزارش شده می‌شود.

تجدید ارائه صورت‌های مالی نشان می‌دهد که صورت‌های مالی دوره‌های گذشته به

1 Securities and Exchange Commission (SEC)

2 Graham

احتمال زیاد طبق اصول عمومی حسابداری ارائه نشده است (پالمروز و شولز^۱، ۲۰۰۴). به علاوه ممکن است تعدیلات مزبور مبین ضعف در سیستم کنترل داخلی شرکت باشد (کینی و مک دنیل^۲، ۱۹۸۹). همچنین تجدید ارائه صورت‌های مالی آثار با اهمیت منفی بر ارزش شرکت‌ها خواهند داشت (اسرینیواسان، ۲۰۰۵).

ممکن است تجدید ارائه‌های حسابداری اثری افزایشی در سود خالص گزارش شده داشته و یا اینکه کاهش دهنده آن باشند. تجدید ارائه‌های کاهش دهنده سود نشان می‌دهد که روش‌های حسابداری گذشته، خوش بینانه بوده و در مقابل تجدید ارائه‌های افزایش دهنده سود، نشان دهنده روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه و یا پاکسازی عمده^۳ بوده است. مطالعات قبلی نشان می‌دهند تمایز بین انواع تجدید ارائه‌ها نیز بسیار مهم است (کالن همکاران، ۲۰۰۲؛ میرز و همکاران، ۲۰۰۳). تجدید ارائه صورت‌های مالی ممکن است ناشی از ارائه اشتباه یا تحریف صورت‌های مالی نباشد که به آن تجدید ارائه فنی^۴ گفته می‌شود (میرز^۵ و همکاران، ۲۰۰۳).

اعضای هیات مدیره و گزارشگری مالی

به دلیل اینکه در تدوین قوانین و مقررات و همچنین ادبیات پژوهش، بر نقش مدیران غیر موظف در نظارت بر گزارشگری مالی توجه بسیاری شده است، در پژوهش حاضر تأکید بر مدیران غیرموظف به ویژه اعضای کمیته حسابرسی می‌باشد. به عنوان مثال در بازار بورس نیویورک، استانداردهای پذیرش در سال ۱۹۹۹ تعدیل شد و شرکت‌ها ملزم شدند کمیته حسابرسی را با حداقل سه مدیر غیرموظف تشکیل دهند. همچنین در سال ۲۰۰۲ و بر اساس قانون ساربنز اکسلی^۶، کمیته حسابرسی مشتمل بر تمامی مدیران غیرموظف و دارای حداقل یک کارشناس مالی الزامی شد (اسرینیواسان، ۲۰۰۵). بر اساس آیین نامه نظام راهبری شرکتی سال ۱۳۸۶، کمیته حسابرسی شامل پنج عضو است که حداقل دو عضو آن از اعضای غیرموظف هیات مدیره و بقیه از خارج شرکت و به انتخاب هیات مدیره می‌باشند. هیات مدیره اعضای کمیته و رئیس کمیته را منصوب می‌نماید. هریک از اعضای کمیته حسابرسی باید مستقل و با حسابداری و امور مالی آشنا باشد.

1 Palmrose and Scholz
2 Kinney and McDaniel
3 Big Bath
4 technical
5 Myers
6 SOX

حداقل دو نفر از اعضای کمیته باید حسابدار رسمی یا کارشناس و خبره امور مالی باشند. تجدید ارائه صورت‌های مالی نشان دهنده این است که کنترل‌های داخلی در پیشگیری و کشف اشتباه و تحریف‌های مرتبط با موارد تجدید شده، موثر نبوده است (کینی و مک دانیل، ۱۹۸۹). به نظر می‌رسد که شکست گزارشگری مالی، اطلاعات معتبری در خصوص نحوه و توانایی اعضای کمیته حسابرسی در نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی فراهم می‌آورد. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان این ادعا را مطرح نمود که احتمال دارد شکست گزارشگری مالی، شهرت اعضای کمیته حسابرسی را تحت تاثیر قرار داده و خطر از دست دادن جایگاه را برای آن‌ها به همراه داشته باشد.

انتظار می‌رود تجدید ارائه صورت‌های مالی به عنوان شکستی برای گزارشگری مالی، به سه دلیل، پیامدهایی داشته و مدیریت در جهت رفع مشکلات با تعدیل کمیته حسابرسی برآید. اولین دلیل بازیابی اعتبار واحد تجاری بعد از تجدید ارائه صورت‌های مالی می‌باشد. تحقیقات زیادی نشان دهنده این واقعیت است که شرکت‌ها بعد از تجدید ارائه صورت‌های مالی در پی بازیابی شهرت خود هستند. یافته‌های چاکراواری^۱ و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهد شرکت‌های دارای تجدید ارائه صورت‌های مالی، اقدامات بیشتری را در بازیابی شهرت در مقایسه با دوره پیش از انتشار تجدید ارائه‌ها و همچنین گروه شرکت‌های کنترل در پژوهش، انجام می‌دهند. بر اساس نظریه علامت دهی، شرکت‌ها برای دستیابی به منابع کمیاب سرمایه با هم در رقابت هستند و در نتیجه برای ارسال علامت‌هایی جهت کسب منابع به بازار سرمایه انگیزه دارند (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۲). در صورتی که شرکت از نظر گزارشگری، قابل اطمینان باشد، توانایی آن در جذب سرمایه بهبود می‌یابد. گزارشگری سالم و منصفانه با کاهش هزینه سرمایه شرکت همراه خواهد بود زیرا عدم اطمینان در مورد شرکت‌هایی که به شکل گسترده و به صورتی قابل اتکا به گزارشگری می‌پردازند، کمتر است.

دلیل دوم به کاهش احتمال شکست گزارشگری در دوره‌های آتی مربوط می‌شود. یافته‌های دیچاو^۲ و همکاران (۲۰۱۰) نشان می‌دهد شرکت‌ها برای کاهش احتمال وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی در آینده و علامت دهی تعهد شرکت برای جلوگیری از ارائه نادرست صورت‌های مالی، اصلاحاتی را در سیستم‌های کنترلی انجام خواهند داد. کمیته حسابرسی و به میزان کمتری کل هیأت مدیره در نظارت بر حسابرسی و کنترل‌های

1 Chakravarthy

2 Dechow

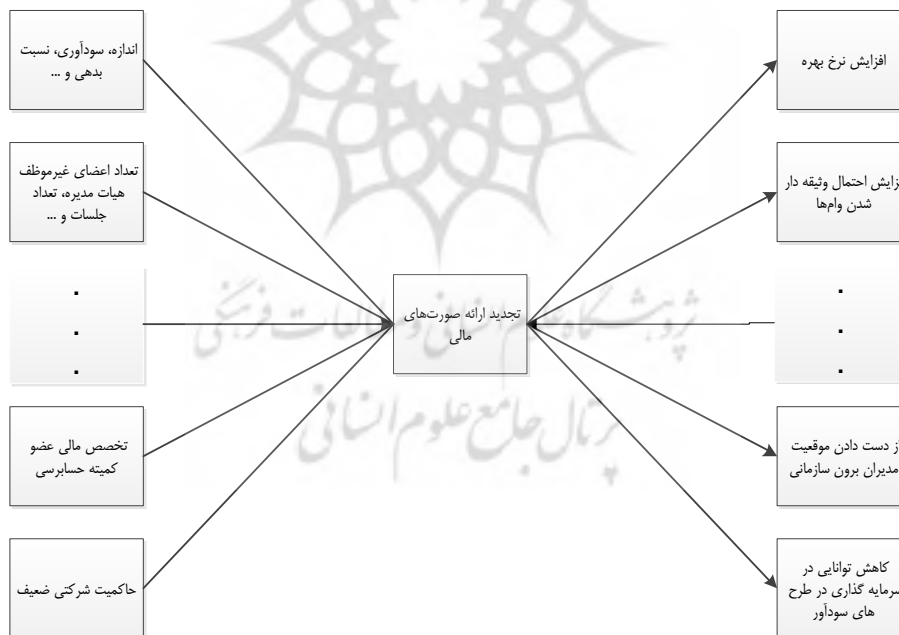
داخلی مسئول هستند. آگراوال و چادها^۱ در سال ۲۰۰۵ خاطرنشان ساخته‌اند که شرکت‌هایی که اقدام به تجدید ارائه صورت‌های مالی خود نموده‌اند سهم کمتری از مدیران مستقل هیأت مدیره با پیش زمینه حسابداری را در مقایسه با نمونه کنترل داشته‌اند. فاربر در سال ۲۰۰۵ شواهدی را ارائه نمود که بر اساس آن تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌ها با تعداد جلسات کمیته حسابرسی و وجود کارشناسی مالی رابطه‌ای معکوس دارد. به عبارت دیگر ارتباط مثبتی بین تخصص اعضای کمیته حسابرسی و کشف تحریفات حسابداری وجود دارد. بنابراین تجدید ارائه صورت‌های مالی نشان دهنده شکست وظیفه نظارت بوده و به کمیته حسابرسی جدید برای بهبود نظارت نیاز است.

دلیل سوم توجه به جریمه‌های مرتبط با شهرت مدیران در بازار می‌باشد. تجدید ارائه صورت‌های مالی، علامت‌های اطلاعاتی را در خصوص کفایت اعضای کمیته حسابرسی هیأت مدیره فراهم می‌کند که وظیفه اصلی آنان نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی است. فاما و جنسن (۱۹۸۳) اعتقاد دارند مدیران غیرموظف با افزایش شهرت خود به عنوان ناظران متخصص، از مزایای زیادی منتفع می‌شوند. در واقع با افزایش شهرت مدیران غیرموظف، علامت‌هایی به بازارهای داخلی و خارجی مخابره می‌شود. آن‌ها از این علامت برای توضیح فرآیند اصلاحی بازار کار، بر علیه مدیرانی که ناظران غیر کارایی هستند، استفاده نمودند. در صورت وجود حسن شهرت برای مدیران در یک بازار کار مدیریت کارا، پیشنهاد موقعیت‌های هیأت مدیره جدید و دیگر منافع به عنوان پاداش، محتمل خواهد بود. به صورت مشابه مدیران با عملکرد ضعیف با احتمال از دست دادن موقعیت فعلی و کاهش منافع مواجه خواهند شد (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). به اعتقاد فاما و جنسن (۱۹۸۳) مدیران که وظیفه نظارت آن‌ها با شکست همراه بوده با جریمه‌های مرتبط با شهرت با توجه به فرآیند اصلاح در بازار کار، مواجه می‌شوند. به نظر می‌رسد اهمیت این نوع پاداش‌های غیرپولی، به مراتب بیشتر از مزایای مالی مستقیم در نظر گرفته می‌شود. فاما و جنسن (۱۹۸۳) فرض کارایی بازار فعالیت مدیران را پذیرفته و با استفاده از این که جرائم و مجازات‌های بازار بیشتر از پیامدهای قانونی شهرت مدیران را تحت تاثیر قرار می‌دهد، وظایف نظارتی مدیران را تبیین می‌کنند. شکست گزارشگری مزبور، شهرت مدیران را تحت تاثیر قرار داده و ممکن است جایگاه آن‌ها به عنوان یکی از اعضای کمیته حسابرسی در شرکتی که صورت‌های مالی آن ارائه مجدد شده، در معرض خطر قرار دهد. یافته‌های مطالعاتی دیگر

نشان می‌دهد که مدیران در نتیجه شکست گزارشگری مالی، متحمل زیان‌هایی شده‌اند. به عنوان مثال ممکن است مدیران مزبور، مدیریت سایر شرکت‌ها را از دست دهند. یافته‌های پژوهش کارپوف و همکاران (۲۰۰۸) در آمریکا نشان می‌دهد که ۹۲/۴ درصد از مدیران اجرائی مقصر، شغل خود را بعد از ارائه نادرست گزارش‌های حسابداری، از دست می‌دهند. در نهایت ممکن است مدیران به صورت اختیاری مسئولیت خود را ترک نموده و از همکاری با شرکت‌های دارای شهرت منفی سر باز زنند.

پیشینه پژوهش

مروری بر ادبیات تحقیق نشان می‌دهد که مطالعات در زمینه تجدید ارائه صورت‌های مالی را می‌توان در دو گروه طبقه‌بندی نمود: (۱) پژوهش‌های مربوط به پیامدهای منفی تجدید ارائه صورت‌های مالی (۲) پژوهش‌های مربوط به عوامل و انگیزه‌های تجدید ارائه صورت‌های مالی.



شکل شماره ۱: علل تجدید ارائه صورت‌های مالی و پیامدهای آن

در جدول شماره ۱ خلاصه‌ای از پژوهش‌ها در هر یک از زمینه‌های یاد شده ارائه شده است.

جدول شماره ۱: پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مربوط به پیامدهای منفی تجدید ارائه صورت‌های مالی

نویسنده	سال	نتیجه
گیلسون	۱۹۹۰	پیامدهای منفی برای مدیران غیر موظف بعد از اعلام و تایید تقلب و شکست گزارشگری مالی
اندرسون و یان	۲۰۰۲	کاهش توانایی شرکت در سرمایه‌گذاری در طرح‌های سود آور به دلیل هزینه تامین مالی بالا
پالمروز و همکاران	۲۰۰۴	واکنش منفی بازار به تجدید ارائه صورت‌های مالی در مواردی شدیدتر است که به تقلب مربوط باشد، سود گزارش شده را کاهش دهد یا حسابر س و یا مدیریت، به آن مرتبط باشند.
اسرینیواسان	۲۰۰۵	از دست دادن موقعیت مدیران برون سازمانی و عدم مشاهده پیامدهای یکسان برای مدیران عضو کمیته حسابرسی هیات مدیره
هلاند	۲۰۰۶	عدم مشاهده پیامد یکسان برای مدیران عضو کمیته حسابرسی هیات مدیره
نوبری و پازتازاراتی	۲۰۰۷	تحمل هزینه‌های بهره بالاتر
شولز ^۱	۲۰۰۸	بازار سرمایه به تجدید ارائه صورت‌های مالی واکنش منفی نشان می‌دهد و شدت آن در موارد مرتبط با تقلب یا اثرگذار بر درآمد شرکت بیشتر است.
گراهام و همکاران	۲۰۰۸	تجدید ارائه صورت‌های مالی موجب افزایش نرخ بهره، کوتاه‌تر شدن زمان سررسید، افزایش احتمال وثیقه‌دار شدن وام و اعمال محدودیت‌های بیشتر می‌شود.
کولینز و همکاران	۲۰۰۸	اخراج مدیر مالی و کاهش مزایای مدیریت با تجدید ارائه صورت‌های مالی به سبب تقلب‌های مالی تایید شد.
کارپوف و همکاران	۲۰۰۸	درصد بالایی از مدیران اجرائی مقصر، شغل خود را بعد از ارائه نادرست گزارش‌های حسابداری، از دست می‌دهند.
چاکراواتی و همکاران	۲۰۱۴	اقدامات بازبایی شهرت توسط شرکت بعد از تجدید ارائه صورت‌های مالی بیشتر خواهد بود
شریعت پناهی و کاظمی	۱۳۸۹	تجدید ارائه صورت‌های مالی موجب کاهش محتوای اطلاعاتی سود می‌شود و شرکت‌هایی که عمده ترین دلیل صورت‌های مالی تجدید ارائه شده آنها اصلاح اشتباه ناشی از شناسایی درآمد است محتوای اطلاعاتی سود آنها کاهش یافته است
رحمانی و تومرای	۱۳۹۱	بعد از تجدید ارائه صورت‌های مالی، ریسک اطلاعاتی اختیاری افزایش می‌یابد و همچنین تجدید ارائه حساب‌های اصلی در مقایسه با حساب‌های غیر اصلی باعث

افزایش بیشتر در ریسک اطلاعاتی ذاتی می‌شود، اما با افزایش ریسک اطلاعاتی اختیاری همراه نیست		
پژوهش‌های مربوط به عوامل و انگیزه‌های تجدیدارائه صورت‌های مالی		
نتیجه	سال	نویسنده
اثر اندازه کوچکتر، سودآوری کمتر، میزان رشد کمتر، نسبت بدهی بیشتر و عدم اطمینان جدی در مورد رقبای خود در صنعت تایید شد.	۱۹۸۹	کینی و مک دنیل
با افزایش اعضای غیرموظف هیات مدیره و حاکمیت شرکت قوی، احتمال وقوع تجدیدارائه در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد.	۱۹۹۶	دیچاو و همکاران
اثر تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره، تعداد جلسات کمیته حسابرسی، تخصص مالی در کمیته حسابرسی و حسابرسی شدن توسط یکی از چهار موسسه بین‌المللی حسابرسی بزرگ، ریاست هیات مدیره توسط مدیر عامل تایید شد.	۲۰۰۵	فاریب
اثر مدیران مستقل با تخصص مالی در هیات مدیره یا کمیته حسابرسی تایید شد.	۲۰۰۵	آگراوال و چادها
اثر تغییر مدیریت ارشد طی ۱۲ ماه قبل و بعد از تجدیدارائه صورت‌های مالی تایید شد.	۲۰۰۶	دسای ^۱ و همکاران
اثر کیفیت حسابرسی، مدت حسابرسی هر شرکت توسط حسابرس، تخصص حسابرس در مورد صنعت و حق الزحمه حسابرسی تایید شد.	۲۰۰۷	استنلی و دیزورت ^۲
دخالت مدیریت در انتخاب اعضای کمیته حسابرسی تاثیر منفی بر اثربخشی کمیته حسابرسی داشته و احتمال شکست گزارشگری مالی افزایش می‌یابد.	۲۰۱۱	کارسلو ^۳ و همکاران
سودآوری، اهرم مالی، طول دوره تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، تغییر حسابرس و اندازه موسسه حسابرسی بر وقوع تجدیدارائه صورت‌های مالی موثر است.	۱۳۹۱	نیکبخت و رفیعی
بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و تجدیدارائه صورت‌های مالی رابطه مثبتی وجود دارد، بین اندازه هیئت مدیره و تجدیدارائه صورت‌های مالی رابطه مثبتی برقرار است و از میان متغیرهای مالی، سطح بدهی با تجدیدارائه صورت‌های مالی رابطه مثبتی دارد.	۱۳۹۴	حساسی، گانه و تقی‌زاده
از این عقیده که سازوکارهای حاکمیت شرکتی راه‌علاجی برای بهبود گزارشگری مالی است، حمایت شد.	۱۳۹۴	باقریپور و ولاشانی و همکاران

1 Desai

2 Stanly & DeZoort

3 Carcello

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: افزایش در شدت تجدید ارائه‌ی صورتهای مالی بر تغییر مدیران غیرموظف هیأت مدیره اثر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دوم: تجدید ارائه‌ی صورتهای مالی بر احتمال تغییر مدیران غیرموظف عضو کمیته‌ی حسابرسی در مقایسه با سایر مدیران غیرموظف، اثر مثبت معنادار بیشتری دارد.

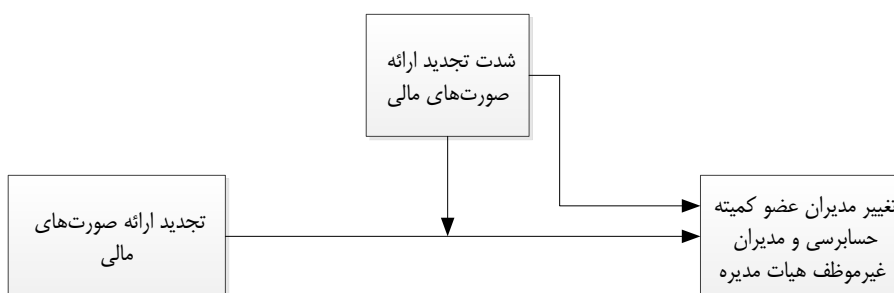
طرح پژوهش

روش کلی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها، از نظر معرفت‌شناسی^۱، فرض اثبات‌گرایی^۲ در نظر گرفته شده است. به این منظور، رویدادهای واقعی^۳ متغیرهای مورد نظر در گذشته بررسی خواهد شد که به معنی پذیرش فرض واقع‌گرایی^۴ از نظر هستی‌شناسی^۵ است. با توجه به مفروضات معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی بیان شده، پژوهش حاضر با رویکردی عینی^۶ انجام شده است. تحقیق حاضر به بررسی آثار متغیر مستقل بر متغیر وابسته پرداخته و بنابراین جزو تحقیقات علیّ محسوب می‌گردد. افزون بر این از یک رویکرد دوگانه‌ی قیاسی و استقرایی بهره برده است.

در شکل شماره‌ی ۲ مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است. شدت تجدید ارائه صورتهای مالی به عنوان متغیر مستقل تغییر مدیران غیرموظف هیأت مدیره (فرضیه اول) را به عنوان متغیر وابسته تحت تاثیر قرار می‌دهد. در ادامه متغیر شدت تجدید ارائه صورتهای مالی به عنوان متغیر تعدیل‌گر بر رابطه تجدید ارائه صورتهای مالی و تغییر مدیران عضو کمیته حسابرسی موثر است (فرضیه دوم).

1 Epistemology
2 Positivism
3 Facts
4 Realism
5 Ontology
6 Objective approach



شکل شماره ۲: مدل مفهومی پژوهش

جامعه پژوهش و روش نمونه‌گیری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه انتخابی شامل شرکت‌هایی است که دارای کلیه شرایط زیر باشند:

- ۱- تاریخ پذیرش آن‌ها در بورس قبل از سال ۹۱ بوده، و تا پایان سال ۹۴ نیز در فهرست شرکت‌های بورسی باشند.
 - ۲- سال مالی به پایان اسفند منتهی باشد و در دوره مورد بررسی، تغییری در سال مالی، وجود نداشته باشد.
 - ۳- نمونه اصلی پژوهش شامل شرکت‌هایی خواهد بود که تجدید ارائه‌ای با اثر منفی بر گزارش‌های مالی (کاهنده سود) را منتشر نموده باشند. همچنین شرکت‌هایی که تجدید ارائه صورت‌های مالی با اثر افزایشی بر سود و یا آن‌هایی که تعدیلاتی به دلیل تغییر در استاندارد یا رویه حسابداری داشته‌اند، به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شده است.
 - ۴- شرکت‌هایی که استمرار تجدید ارائه نداشته و حداقل دوسال قبل و بعد از سال تجدید ارائه، تعدیلات سنواتی نداشته باشند.
 - ۵- جزو شرکتهای سرمایه‌گذاری، مالی و واسطه‌گری نباشند زیرا ماهیت عملیات و اقلام گزارش شده در صورت‌های مالی این شرکت‌ها تفاوت عمده با سایر شرکت‌ها دارد.
- با توجه به موارد بالا تعداد ۴۳ شرکت به عنوان نمونه اصلی و ۴۳ شرکت هم به عنوان

گروه کنترل در نظر گرفته شد.

روشهای گردآوری داده ها و ابزار مورد استفاده

برای بررسی ادبیات تحقیق از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و در این بخش تحقیق از کتب و مقالات منتشر شده داخلی و خارجی بهره گرفته شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش ابتدا داده‌های مورد نظر پژوهش از صورت‌های مالی، یادداشت‌های پیوست و نیز گزارش‌های هیات مدیره، گزارش حسابرسی و اطلاعیه‌های بورس در پایگاه داده‌ها گردآوری و در برخی موارد با تطبیق داده‌های سایر پایگاه‌ها از قبیل نرم افزارهای اطلاعاتی موجود از قبیل ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز، داده‌های مورد نیاز نهایی و استخراج شده است.

روش پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل رگرسیون از نوع لجستیک در نظر گرفته شده است. در معادله‌ی رگرسیون معمولی از تعدادی متغیرهای پیش‌بین (مستقل) با ضرایبی برای پیش‌بینی متغیر ملاک یا وابسته استفاده می‌شود. اگر متغیر وابسته را با y نشان داده و X_1, X_2, \dots, X_n مجموعه‌ای از متغیرهای پیش‌بین باشند، معادله رگرسیون معمولی را می‌توان به صورت رابطه‌ی ۱ نوشت.

$$y_i = \beta_0 + \beta_1 x_{1i} + \beta_2 x_{2i} + \dots + \beta_n x_{ni} + \varepsilon_i \quad \text{رابطه‌ی ۱}$$

در این مدل، متغیرهای مستقل و وابسته می‌توانند هر مقدار دلخواهی از منفی بی‌نهایت تا مثبت بی‌نهایت اختیار کنند. در صورتی که بخواهیم از این مدل برای مواردی که متغیر پاسخ حالت مقوله‌ای دارد استفاده کنیم، می‌بینیم که طرف چپ تساوی تنها می‌تواند دو مقدار صفر و یا یک را بپذیرد در صورتی که طرف راست تساوی مقادیری از منفی بی‌نهایت تا مثبت بی‌نهایت را می‌پذیرد. برای حل این مشکل می‌توان سمت چپ تساوی را نیز به صورت متغیری پیوسته درآورد. بدین ترتیب که در ابتدا به جای استفاده از y از احتمال y استفاده می‌کنیم، با انجام این کار مقادیر سمت چپ تساوی بین صفر و یک خواهند بود. بنابراین اگر داشته باشیم:

$$z_i = \beta_0 + \beta_1 x_{1i} + \beta_2 x_{2i} + \beta_3 x_{3i} + \dots + \beta_n x_{ni} + \varepsilon_i \quad \text{رابطه‌ی ۲}$$

آنگاه داریم:

$$P_i = \frac{e^{\beta_0 + \beta_1 x_{1i} + \beta_2 x_{2i} + \beta_3 x_{3i} + \dots + \beta_n x_{ni} + \varepsilon_i}}{1 + e^{\beta_0 + \beta_1 x_{1i} + \beta_2 x_{2i} + \beta_3 x_{3i} + \dots + \beta_n x_{ni} + \varepsilon_i}} \quad \text{رابطه ی ۳}$$

که در این رابطه P_i برابر با احتمال وقوع حادثه مورد نظر می باشد. رابطه فوق را می توان به صورت عبارت زیر نیز نوشت:

$$P_i = \frac{1}{1 + e^{-z_i}} \quad \text{رابطه ی ۴}$$

همچنین احتمال عدم وقوع حادثه $(1 - p_i)$ نیز از طریق رابطه ۳-۵ قابل برآورد است.

$$1 - p_i = \frac{1}{1 + e^{z_i}} \quad \text{رابطه ی ۵}$$

با توجه به دشوار بودن تفسیر عبارات فوق، به جای استفاده مستقیم از احتمال می توان از نسبت برتری^۱ که برابر با نسبت احتمال وقوع حادثه مورد نظر به احتمال عدم وقوع آن حادثه می باشد، استفاده کرد. لازم به ذکر است که این کار موجب می شود که نسبت برتری بتواند از صفر تا مثبت بی نهایت تغییر کند.

$$\text{Odd Ratio} = \frac{p_i}{1 - p_i} = \frac{1 + e^{z_i}}{1 + e^{-z_i}} = e^{z_i} \quad \text{رابطه ی ۶}$$

در نهایت اگر از نسبت برتری لگاریتم طبیعی بگیریم، مقادیر آن می تواند مانند سمت راست تساوی بین منفی بی نهایت تا مثبت بی نهایت تغییر کند. به این مدل، مدل لوجیت^۲ گفته می شود.

$$\ln(\text{Odd Ratio}) = \ln\left(\frac{p_i}{1 - p_i}\right) = z_i \quad \text{رابطه ی ۷}$$

تعبیر این مدل بسیار ساده می باشد به گونه ای که در آن β_i ها میزان تغییرات لگاریتم نسبت برتری را در متغیر وابسته به ازای افزایش یک واحد در عامل x_i نشان می دهند. در برازش رگرسیون لجستیک از روش رگرسیون مرحله به مرحله بازگشتی^۳ استفاده شده است. در این روش برای ورود متغیرها به رگرسیون، در ابتدا کار با مدلی آغاز می شود که

1 Odd Ratio
2 Logit
3 Backward Stepwise

فقط دارای مقدار ثابت است و هیچ متغیر مستقلی در آن وارد نمی‌شود. سپس تمام متغیرهای مستقل وارد مدل شده و اثر آن‌ها بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. در هر مرحله متغیرهایی که سطح معناداری آزمون والد آن‌ها بالاتر است از مدل خارج می‌شوند و این کار تا زمانی ادامه می‌یابد که سطح خطا به ده درصد برسد (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۸۷). مدل رگرسیون پژوهش نشان دهنده خروج مدیر عضو غیرموظف هیات مدیره می‌باشد که به وسیله تابعی از متغیرهایی که مبین شدت تجدید ارائه در صورت‌های مالی، عضویت مدیر در کمیته حسابرسی و همچنین متغیرهای کنترل بیان شده است. همچنین به منظور برآورد مدل رگرسیون لجستیک از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

رابطه‌ی ۸

$$\begin{aligned} DEPARTURE = & \beta_0 + \beta_1 AUDITCOMM + \beta_2 SEVERITY \\ & + \beta_3 AUDITCOMM \times SEVERITY + \beta_4 ROA + \beta_5 SIZE \\ & + \beta_6 CEO_TURNOVER + \beta_7 BOARDSIZE + \beta_8 TENUTRE \\ & + \beta_9 OUTSIDERS + \beta_{10} CEO_FOUNDER + \beta_{11} FIN_EXPERT \\ & + \beta_{12} DERECTOR_AFTER_CEO + \varepsilon \end{aligned}$$

جدول ۲: متغیرهای مدل پژوهش

نام متغیر	حروف اختصاری	شرح
خروج مدیر غیرموظف	DEPARTURE	متغیر مجازی با مقدار یک در صورت خروج مدیر غیرموظف و در غیر اینصورت صفر
عضویت مدیر غیرموظف در کمیته حسابرسی	AUDITCOMM	متغیر وابسته و در صورتی که مدیر غیرموظف عضو کمیته حسابرسی است برابر یک و در غیر اینصورت صفر
بزرگی و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی	SEVERITY	قدر مطلق لگاریتم طبیعی مبلغ تجدید ارائه سود عملیاتی در صورت‌های مالی
اثر متقابل دو متغیر قبلی	AUDITCOMM × SEVERITY	تمایز شکست گزارشگری از اثربخشی وظیفه نظارت

نام متغیر	حروف اختصاری	شرح
بازده دارایی‌های شرکت	<i>ROA</i>	جهت کنترل آثار بازده دارایی‌های شرکت در خروج مدیران غیرموظف هیات مدیره
اندازه شرکت	<i>SIZE</i>	با جمع دارایی‌های در سال پیش از تجدید انتشار تجدید ارائه صورت‌های مالی توسط شرکت، اندازه‌گیری می‌شود
تغییر مدیر عامل	<i>CEO _ TURNOVER</i>	مقدار یک در صورتی که مدیرعامل تا سه سال بعد از انتشار تجدید ارائه صورت‌های مالی، شرکت را ترک نماید و در غیر اینصورت مقدار صفر
تعداد اعضای هیات مدیره	<i>BOARDSIZE</i>	تعداد اعضای هیات مدیره
تصدی عضو غیرموظف هیات مدیره	<i>TENURE</i>	تعداد سالهایی که مدیر غیرموظف عضو هیات مدیره در زمان انتشار تجدید ارائه صورت‌های مالی، در سمت عضو هیات مدیره اشتغال دارد
نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره	<i>OUTSIDERS</i>	برابر با نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بر تعداد اعضای هیات مدیره می‌باشد.
مدیر عامل موسس	<i>CEO _ FOUNDER</i>	اگر مدیرعامل موسس یا عضوی از خانواده موسسین شرکت انتشار دهنده تجدید ارائه‌های مالی باشد یک و در غیر اینصورت صفر
تخصص مالی عضو غیرموظف هیات مدیره	<i>FIN _ EXPERT</i>	اگر عضو غیرموظف هیات مدیره کارشناس مالی است یک و در غیر اینصورت صفر. انتظار می‌رود کارشناس مالی در برابر شکست گزارشگری پاسخگویی بیشتری داشته باشد.
عضویت مدیر غیرموظف بعد از انتصاب مدیر عامل	<i>DERECTOR _ AFTER _ CEO</i>	اگر مدیر غیرموظف عضو هیات مدیره بعد از انتصاب مدیرعامل به عضویت هیات مدیره درآمده مقدار یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود.

بررسی ادبیات نشان می‌دهد متغیرهای بازده دارایی‌های شرکت (یرماک^۱، ۲۰۰۳)، اندازه شرکت (فریس و همکاران، ۲۰۰۳)، تغییر مدیرعامل، تعداد اعضای هیات مدیره (اسرینیواسان، ۲۰۰۵)، نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره (فاربر، ۲۰۰۴) و مدیرعامل موسس (اسرینیواسان، ۲۰۰۵) با تغییر اعضای هیات مدیره در ارتباط می‌باشند. به‌علاوه متغیرهای تخصص مالی عضو غیرموظف هیات مدیره، عضویت مدیر غیرموظف بعد از انتصاب مدیر عامل و تصدی عضو غیرموظف هیات مدیره به عنوان متغیرهای کنترل در سطح مدیر غیرموظف در نظر گرفته شده است (اسرینیواسان، ۲۰۰۵).

یافته‌های پژوهش

نمونه اصلی پژوهش شامل شرکت‌هایی است که تجدید آرائه‌هایی با اثر کاهشی بر سود خالص را انتشار داده‌اند. علاوه بر این در نمونه پژوهش شرکت‌هایی که تجدید آرائه صورت‌های مالی را منتشر ننموده‌اند، به عنوان گروه کنترل در نظر گرفته شده‌اند. سال ۹۱ به عنوان سال معیار در نظر گرفته شده و پیامدهای شکست گزارشگری مالی در سه سال بعد تجزیه و تحلیل شده است.

میانگین متغیر وابسته خروج مدیر غیرموظف عضو هیات مدیره، در نمونه شرکت‌های با تجدید آرائه کاهشی در سود و شرکت‌ها منتشر کننده تجدید آرائه صورت‌های مالی با اثر افزایشی در سود و یا تجدید آرائه صورت‌های مالی به دلیل تغییر استانداردها، به ترتیب ۴۱ درصد و ۳۷ درصد می‌باشند. همچنین میانگین متغیر مستقل عضویت مدیر غیرموظف در کمیته حسابرسی برای دو گروه به ترتیب ۸۱ درصد و ۸۵ درصد می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که یکی از بارزترین تفاوت‌های دو گروه، به عملکرد شرکت‌ها مربوط می‌باشد. در واقع شرکت‌ها با تجدید آرائه کاهشی در سود، به صورت میانگین عملکرد ضعیف‌تری در مقایسه با گروه دیگر داشته‌اند. سایر اطلاعات در جدول شماره سه ارائه شده است.

جدول شماره ۳: آمار توصیفی

شرکت‌ها منتشرکننده تجدید ارائه با اثر افزایشی در سود و یا به دلیل تغییر استانداردها		شرکت‌های منتشرکننده تجدید ارائه با اثر کاهشی بر سود		متغیر
میانگین	میانگین	میانگین	میانگین	
۰	۰/۳۷	۰	۰/۴۱	<i>DEPARTURE</i>
۱	۰/۸۵	۱	۰/۸۱	<i>AUDITCOMM</i>
۹/۱۲	۹/۰۱	۹/۵۵	۹/۷۱	<i>SEVERITY</i>
۶/۸۴	۶/۸۱	۶/۱۴	۶/۳۱	<i>AUDITCOMM</i> × <i>SEVERITY</i>
۰/۱۸	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۱۱	<i>ROA</i>
۱۳/۱۴	۱۳/۱۲	۱۳/۰۴	۱۳/۰۲	<i>SIZE</i>
۰	۰/۴۵	۰	۰/۴۸	<i>CEO_TURNOVER</i>
۵	۵/۳	۵	۵/۴	<i>BOARDSIZE</i>
۳/۹۱	۳/۸۸	۳/۵۴	۳/۶۱	<i>TENURE</i>
۰/۶۵	۰/۶۷	۰/۶۲	۰/۶۳	<i>OUTSIDERS</i>
۰	۰/۰۹	۰	۰/۰۶	<i>CEO_FOUNDER</i>
۰	۰/۲۰	۰	۰/۱۶	<i>FIN_EXPERT</i>
۱	۰/۸۲	۱	۰/۹۱	<i>DERECTOR_AFTER_CEO</i>

نتایج مربوط به نخستین مرحله در روش رگرسیون مرحله به مرحله بازگشتی که در آن تنها مقدار ثابت وارد معادله گردیده در جدول شماره ۴ آورده شده است.

جدول ۴: نتایج رگرسیون لجستیک مرحله نخست

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره والد	درجه آزادی	سطح معناداری
β_0	-۲	۰/۰۷	۸۹/۱۱	۱	۰/۰۰

در مرحله‌ی بعد تمام متغیرهای مستقل وارد مدل می‌شوند و اثر آنها بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. آماره کای دو مدل نشان می‌دهد که متغیر یا متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اثر دارد یا خیر. کای دو مدل در این مرحله ۱۲۶/۱۲ بوده که معناداری آن کمتر از ۱ درصد است، بنابراین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تاثیر داشته و این نشان دهنده‌ی برازش مناسب مدل است. ضریب تعیین ناگلکرک^۱ در این گام برابر با ۳۵/۲ است که بدین معنا می‌باشد که ۳۵/۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای رگرسیون لجستیک تبیین می‌شود.

همان گونه که در جدول شماره‌ی ۵ نشان داده شده است در این مرحله مدل برای ۱۶۸ مشاهده گروه اصلی (تعداد ۴۳ شرکت با ۱۶۸ مدیر غیرموظف) تنها ۱۵ مورد خطای طبقه‌بندی داشته است. به این صورت که مدل ۹ عدم خروج مدیر غیرموظف را خروج مدیر و ۶ مورد خروج مدیر غیرموظف را عدم خروج مدیر طبقه‌بندی کرده است. حساسیت مدل در پیش‌بینی خروج عضو غیرموظف هیات مدیره ۹۱/۲ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر خطای نوع اول در این مرحله ۸/۸ درصد می‌باشد. از طرف دیگر حساسیت مدل در پیش‌بینی عدم خروج عضو غیرموظف هیات مدیره ۹۱ درصد می‌باشد. بنابراین خطای نوع دوم برابر ۹ درصد است.

جدول ۵: طبقه‌بندی رگرسیون لجستیک مرحله نخست

درصد صحت	پیش‌بینی		خروج مدیر	عدم خروج
	عدم خروج	خروج مدیر		
۹۱/۲	۶	۶۲	خروج مدیر	تایید
۹۱/۰	۹۱	۹	عدم خروج	

در جدول ۶ متغیرهای وارد شده در مدل، ضرایب مربوط به آنها و نتایج آزمون والد نشان داده شده است. با توجه به سطح معناداری آماره والد، ضرایب متغیرهای مستقل پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. با اینحال ضرایب متغیرهای کنترل بازده سهام شرکت، اندازه شرکت، تغییر مدیرعامل، تعداد اعضای هیات مدیره، تصدی عضو

1 Nagelkerke R Square

غیرموظف هیئت مدیره، تخصص مالی عضو غیرموظف هیئت مدیره و عضویت مدیر غیرموظف بعد از انتصاب مدیرعامل در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است.

جدول شماره ۶: نتایج مدل رگرسیون

شرکت‌ها منتشر کننده تجدید ارائه با اثر افزایشی در سود و یا به دلیل تغییر استانداردها		شرکت‌های منتشر کننده تجدید ارائه با اثر کاهشی بر سود		نام متغیر
ضریب	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	
۰/۰۰	۲/۸۷-	۰/۰۱	۳/۴۵-	جزء ثابت
۰/۴۶	۲/۱۱	۰/۵۹	۲/۳۲	عضویت مدیر غیرموظف در کمیته حسابرسی
۰/۶۷	۲/۲۹	۰/۷۷	۱/۲۸-	بزرگی و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی
۰/۶۱	۲/۲۵	۰/۶۵	۱/۰۵	اثر متقابل دو متغیر قبلی
۰/۰۰	۱/۰۶-	۰/۰۰	۰/۹۵-	بازده سهام شرکت
۰/۰۹	۰/۵۹	۰/۰۴	۰/۸۱	اندازه شرکت
۰/۰۰	۰/۹۱	۰/۰۰	۱/۵۲	تغییر مدیر عامل
۰/۰۲	۱/۱۸	۰/۰۳	۱/۸۶	تعداد اعضای هیات مدیره
۰/۱۵	۰/۳۳-	۰/۰۱	۰/۷۱-	تصدی عضو غیرموظف هیات مدیره
۰/۳۱	۱/۰۴-	۰/۲۵	۰/۸۲	نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره
۰/۴۱	۰/۲۷-	۰/۳۵	۰/۱۷	مدیر عامل مؤسس
۰/۰۰	۰/۹۷	۰/۰۱	۲/۶۴	تخصص مالی عضو غیرموظف هیات مدیره
۰/۰۴	۱/۰۹-	۰/۰۴	۱/۲۱-	عضویت مدیر بعد از انتصاب مدیر عامل

در ادامه متغیرهایی که دارای پایین ترین سطح معناداری مربوط به آماره والد هستند به

ترتیب و مرحله به مرحله از مدل خارج گردید و مدل با توجه به سایر متغیرهای موجود برازش شد. با اینحال بهبود قابل ملاحظه‌ای در سطح معناداری آماره والد مشاهده نشد. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، بزرگی و شدت تجدید ارائه در صورت‌های مالی منجر به تغییر مدیران غیرموظف هیات مدیره نشده است، لذا فرضیه شماره یک تایید نمی‌گردد. در واقع با وجود اینکه علامت متغیر بزرگی و شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی با علامت مورد انتظار منطبق می‌باشد، اثر متغیر مستقل بر متغیر وابسته از نظر آماره در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نبوده و لذا فرضیه‌ی اول تحقیق رد می‌شود. ملاحظه سطح معناداری آماره والد در مورد اثر متقابل دو متغیر مستقل قبلی نشان می‌دهد شواهد کافی برای تایید فرضیه دوم وجود ندارد. در واقع تجدید ارائه صورت‌های مالی باعث جریمه‌های بازار کار برای مدیران غیرموظف بخصوص اعضای کمیته حسابرسی نشده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

انتظار می‌رود در یک بازار کار مدیریت کارا، مدیرانی که وظایف مدیریتی خود را به صورت مؤثر انجام می‌دهند به عنوان پاداش، مزایا و فرصت‌های مدیریتی دریافت کنند؛ همچنین مدیرانی که عملکرد ضعیفی دارند با از دست دادن موقعیت و منافع آتی خود، جریمه شوند. در پژوهش حاضر پیامدهای تجدید ارائه صورت‌های مالی به عنوان شکست گزارشگری برای مدیران غیرموظف با تأکید بر کمیته حسابرسی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از این است که تجدید ارائه صورت‌های مالی باعث جریمه‌های بازار کار برای مدیران غیرموظف نشده است. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های قبلی (گیلسون، ۱۹۹۰؛ اسرینیواسان، ۲۰۰۵) مطابقت ندارد.

عدم مشاهده مسئولیت پاسخگویی اعضای کمیته حسابرسی، ممکن است به دلایلی باشد که در ادامه تشریح می‌گردد. اول اینکه مدیر عضو کمیته حسابرسی نقشی نظارتی داشته و به اطلاعات مدیران و حسابرسان وابسته است. در تطابق با این موضوع بیسلی در سال ۱۹۹۶ نشان داد که وجود کمیته حسابرسی احتمال کاهش تقلب را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. یافته‌های دیگر بر مبنای مصاحبه با ۲۵۰ مدیر غیرموظف نشان می‌دهد که تردید زیادی در مورد توانایی به دست آوردن اطلاعات کافی و به موقع توسط مدیران غیرموظف

وجود دارد (هوگیم استرا و فان مانن^۱، ۲۰۰۴). دوم اینکه وقوع تجدید ارائه در صورت‌های مالی لزوماً نشان دهنده موفقیت یا شکست کمیته حسابرسی نیست. هرچند نظارت خوب و مناسب ممکن است منجر به کشف سریع‌تر مسائل شده و افشاهای به موقع را موجب شود. بنابراین دلیلی برای جایگزینی مدیران مؤثر عضو کمیته حسابرسی وجود ندارد. در نهایت اینکه برخلاف مدیران عملیاتی، اعضای هیأت مدیره به شخصی با جایگاه بالاتر از خود گزارش نمی‌دهند که آن‌ها را برای عملکرد ضعیف، جایگزین کند. هرچند از نظر تئوری سهامداران اعضای هیأت مدیره را انتخاب می‌کنند ولی در عمل جایگزین نمودن آن‌ها بسیار دشوار است (یرماک^۲، ۲۰۰۳).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر و پرسش‌هایی که طی انجام آن مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام مطالعات بیشتر در حوزه‌های مرتبط پیشنهاد می‌شود مواردی که در ادامه ارائه می‌گردد، مورد بررسی قرار گیرد:

اگر تجدید ارائه در صورت‌های مالی بر اعتبار مدیران غیرموظف هیئت مدیره و کمیته حسابرسی اثرگذار باشد، انتظار می‌رود جایگاه آن‌ها در دیگر شرکت‌ها به عنوان عضو هیات مدیره یا کمیته حسابرسی به خطر بیفتد. پیشنهاد می‌شود پژوهشی در راستای پذیرش یا رد ادعای مذکور انجام گردد.

به‌علاوه دور از انتظار نیست که مدیرعامل شرکت توان اثرگذاری مستقیم بر ترکیب هیات مدیره را داشته و بنابراین مدیران را از جریمه‌های بعد از شکست گزارشگری مالی حمایت کند. اگر مدیرعامل بتواند هیات مدیره را کنترل کرده و بر آن تسلط داشته باشد، ترکیب کمیته حسابرسی تحت تاثیر مدیرعامل خواهد بود. این ادعا را می‌توان توسط متغیرهایی مانند یکسان بودن وظیفه مدیرعامل و رئیس هیات مدیره، تاثیر مدیرعامل بر تاسیس شرکت، تصدی مدیرعامل، ابقای مدیرعامل بعد از وقوع تجدید ارائه در صورت‌های مالی و ... اندازه‌گیری نمود.

همچنین می‌توان انتظار داشت که ابقای مدیران عضو کمیته حسابرسی بعد از انتشار تجدید ارائه صورت‌های مالی به ویژگی‌های فردی مدیر مربوط باشد. این موضوع با استفاده از متغیرهای دوره‌های تصدی عضو کمیته حسابرسی، تخصص مالی عضو کمیته حسابرسی و ... قابل اندازه‌گیری خواهد بود.

1 Hooghiemstra and Van Manen

2 Yermack

منابع

- آیین نامه نظام راهبری شرکتی. (۱۳۸۶). تهران: مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران. مجله بوس، شماره ۵۲.
- باقرپور ولاشانی، محمدعلی. اعتمادی، حسین. امیدفر، مهدی. (۱۳۹۴). "تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر تجدید ارائه های حسابداری". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۶، تابستان ۱۳۹۴، ص ص ۱۰۲-۷۹.
- حساس یگانه، یحیی. تقی زاده، سمیه. (۱۳۹۴). "تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و مالی بر تجدید ارائه صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه تحقیقات مالی، دوره ۱۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ص ۳۹-۵۸.
- رحمانی، علی. نجف تومرایی، المیرا. (۱۳۹۱). "تجدید ارائه صورت های مالی و ریسک اطلاعاتی". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۱، ص ص ۳۳-۵۴.
- شریعت پناهی، سید مجید. کاظمی، حسین. (۱۳۸۹). "تأثیر ارائه مجدد صورت های مالی بر محتوای اطلاعاتی سود". فصلنامه مطالعات حسابداری، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۹، ص ص ۱-۲۸.
- کوکبی، صدریه. کردلویی، حمیدرضا. میرابی، وحیدرضا. (۱۳۹۳). "تأثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت های مالی". دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. سال چهارم، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۹۴، ۲۷-۳۴.
- مؤمنی، منصور. فعال قیومی، علی. (۱۳۹۱). "تحلیل های آماری با استفاده از SPSS". نشر مؤلف، تهران، چاپ هفتم.
- موسوی، سیدرضا. جباری، حسین، بیدختی، عباس طالب. (۱۳۹۳). "حاکمیت شرکتی و تجدید ارائه صورت های مالی". پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ۷، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۴، ۹۷-۱۱۹.
- مهرانی، ساسان، کرمی، غلامرضا، سیدحسینی، سیدمصطفی. (۱۳۹۲). تئوری حسابداری. انتشارات نگاه دانش، نوبت اول، ۱۳۹۲.
- نیکبخت، محمدرضا. رفیعی، افسانه. (۱۳۹۱). "ندوین الگوی عوامل موثر بر تجدید ارائه صورت های مالی در ایران". دانش حسابداری، سال سوم، شماره ۹، ص ص ۱۹۴-۱۶۷.

- Agrawal, A., Chadha, S., 2005. "Corporate governance and accounting scandals". *Journal of Law and Economics*, 48 (October), 371° 406.
- Anderson, K., Yohn, T., 2002. "The effect of 10-K restatements on firm earnings". *Working Paper*, Georgetown University.
- Beasley, M.S.1996. "An Empirical Analysis of the Relation between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud". *The Accounting Review* 71 -1996 :65-433.
- Callen, J.L.; J. Linat; and D. Segal.2002. "Accounting Restatements: Are They Always Bad News?" *Working Paper*, Rotman School of Management, University of Toronto,
- Carcello, J.V., Neal, T.L., Palmrose, Z., Scholz, S., 2011. "CEO involvement in selecting board members, audit committee effectiveness, and restatements". *Contemporary Accounting Research* 28 (summer), 396° 430.
- Chakravarthy, C, deHaan, E and s. Rajgopal.2014." Reputation Repair after a Serious Restatement". *THE ACCOUNTING REVIEW*. Vol. 89, No. 4. 2014, pp. 1329° 1363.
- Collins, D., Reitenga, A.L. and sanchez, J.M.2008."The impact of accounting restatements on CFO turnover and bonus compensation: incorporating Advances in International Accounting, Vol.24, pp.162-171.
- Dechow, P. M., W. Ge, and C. Schrand. 2010. "Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences".*Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3): 344° 401.
- Desai, H., C. Hogan, and M. Wilkins. 2006. "The reputational penalty for aggressive accounting: Earnings restatements and management turnover". *The Accounting Review*, 81 (1): 83° 112.
- Fama, E.F., Jensen, M.C., 1983. "Separation of ownership and control". *Journal of Law and Economics* 26 (June), 301° 325.
- Farber, D. B. 2005." Restoring trust after fraud: Does corporate governance matter?". *The Accounting Review* 80 (2): 539° 561.
- Gilson, Stuart C., .1990. "Bankruptcy, boards, banks, and blockholders: Evidence on changes in corporate ownership and control when firms default". *Journal of Financial Economics*27, 355-387.
- Graham, J., Li, S., Qiu, J., 2008. "Corporate misreporting and bank loan contracting". *Journal of Financial Economics* 89 (1), 44° 61.
- Harford, Jarrad. 2003. "Takeover bids and target directors' incentives:

- The impact of a bid on directors' wealth and board seats". *Journal of Financial Economics*, 69, 51-83.
- Helland, E. 2006. "Reputational penalties and the merits of class-action securities litigation". *Journal of Law and Economics* 49 (October): 365-395.
- Hooghiemstra R., and J. Van Manen. 2004. "The Independence Paradox: (Im) possibilities Facing Non-Executive Directors in The Netherlands". *Corporate Governance* 12: 314-324.
- Karpoff, J., S. Lee, and G. Martin. 2008. "The cost to firms of cooking the books". *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 43 (3): 581° 612.
- Kinney, W.R., McDaniel, L.S., 1989. "Characteristics of firms correcting previously reported quarterly earnings". *Journal of Accounting and Economics* 11 (February), 71° 93.
- Myers, J.N.; L.A. Myers; Z.-V. Palmrose; and S. Scholz. 2003. "Mandatory Auditor Rotation: Evidence from Restatements". *Working Paper*, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Newberry, K., Parthasarathy, K., 2007. "The impact of financial restatements on debt markets". *Working Paper*, University of Houston.
- Palmrose, Z., Scholz, S., 2004. "The circumstances and legal consequences of non-GAAP reporting: evidence from restatements". *Contemporary Accounting Research* 21 (1), 139° 180.
- Scholz, S. 2008. *The changing nature and consequences of public company financial restatements*. *The Department of Treasury*, (April): 1-54.
- Scholz, S. 2008. *The changing nature and consequences of public company financial restatements*. *The Department of Treasury*, (April): 1-54.
- Scholz, S. 2008. "The changing nature and consequences of public company financial restatements". *The department of Treasury*, (April): 1-54.
- Srinivasan, S., 2005. "Consequences of financial reporting failure for outside directors: evidence from accounting restatements and audit committee members". *Journal of Accounting Research* 43 (May), 291° 334.
- Stanly, J. DeZoort, F.T. 2007. "Audit firm tenure and financial restatements: An analysis of industry specialization and fee effects". *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol.26, pp.131-159.
- Yermack, David. 2004. "Remuneration, retention, and reputation incentives for outside directors". *Journal of Finance*, 59, 2281-2308.